

ششمین همایش جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان

نهاد برگزار کننده همایش: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار

(با همکاری و حمایت معنوی دادگستری بروجرد، دانشگاه امام صادق، انجمن علمی معارف دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه لرستان، آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد رفسنجان، سازمان ارشاد اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه و....)

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۹ آذرماه ۱۴۰۲ شماره مقاله: ۲۸/۲۲۴۷۹ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۰۷۵۸

خودکشی در حقوق جزای ایران و راه های پیشگیری از آن

عاطفه تخله^۱

کارشناس ارشد حقوق خصوصی و عضو انجمن مطالعات حقوقی استان مازندران

معصومه ولی زاده علی آبادی

چکیده

خودکشی در زمره آن دسته از اعمالی است که باعث مرگ می شود. از منظر جرم‌شناسی خودکشی عبارت است از قتل که فاعل جرم (قاتل)، مفعول جرم (مقتول) نیز است. جلوگیری از خودکشی مستلزم به کار بستن پیشگیری است که از مباحث عملی و بسیار با اهمیت در تمامی علوم از جمله جرم‌شناسی است. پیشگیری از جرم در معنای وسیع خود شامل اقدامات کیفری و غیر کیفری مانند: پیشگیری وضعی و اجتماعی که برای خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری می‌شود. مقاله پیش رو تلاش دارد که ضمن عناصر ارتکاب جرم، مفهوم شناسی پیشگیری در جرم، مفهوم شناسی خودکشی و اسباب و علل و انواع خودکشی، خودکشی در حقوق جزای ایران و راه های پیشگیری از آن را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به موضوع، پرسش این پژوهش این است که: خودکشی چه حکمی در حقوق جزا دارد و راه پیشگیری از آن چیست؟ فرضیه ای که در پاسخ به پرسش ها مورد سنجش و آزمون قرار می گیرد آن است که: خودکشی طبق حقوق جزا جرم نیست و راه پیشگیری از آن اقدامات تامینی است. لازم به ذکر است که نوع پژوهش بر اساس هدف: کاربردی است. از منظر تحلیل داده ها: کیفی و به لحاظ ماهیت پژوهش، توصیفی - تحلیلی می باشد. روش گرد آوری داده ها و اطلاعات، اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه های الکترونیکی و اینترنتی انجام شده است.

واژگان کلیدی: حقوق جزا، جرم، جرم شناسی، پیشگیری، خودکشی

^۱نویسنده مسئول



مقدمه

هر جامعه ای برای حفظ و قوام خود به قوانینی نیازمند است. قطعاً این قوانین و رویه های هنجاری هستند که ضامن بقای جامعه می باشند. اگر یک جامعه هنجار مند در مسیر جرم و ارتکاب آن از سوی افراد آن جامعه قرار گیرد، در واقع قوانین و رویه های هنجاری آن جامعه به واسطه جرم مجرم نقض می شود. در یک جامعه هنجارمند حفظ جان انسان ها از اهمیت بالایی قرار دارد و اساساً دولت ها با تمهید مکانیزم هایی باید حافظ جان انسان ها در جامعه باشند. با این همه، خودکشی یکی از مشکلاتی است که می توان روندهای طبیعی و هنجار مند آن را با تهدید مواجه کند. از منظر علت شناسی، عواملی چون: رشد جمعیت، رشد صنعتی، شیوع اضطراب و افسردگی های مزمن در خود کشی نقش دارند و همین عوامل در کنار ناامید و فقدان شاخص توسعه انسانی مانند نداشتن رفاه، آموزش کافی و ناامیدی از آینده نرخ آن را افزایش داده است. خودکشی به حالتی از مرگ اطلاق می شود که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم عملی است که شخص قربانی، آن را انجام داده و از نتیجه عملش آگاه بوده است. در خودکشی قاتل و مقتول یکی هستند. این عمل یعنی خود کشی

در غالب سیستم های حقوقی جرم نیست. در نظام فقهی و شریعت اسلامی نیز خودکشی با توجه به ۲۹ سوره نسا در قران یعنی (لا تقتلوا انفسکم) نهی شده و موجب عقوبت اخروی است. با توجه به گسترش روز افزون خودکشی در جوامع صنعتی و حتی در جوامع توسعه نیافته، پیشگیری از خود کشی لازم و ضروری است. از منظر جرم شناسی، پیشگیری مجموعه اقدام ها و تدابیر غیر قهرآمیز است که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال و وخامت جرم، پیرامون علل جرایم اتخاذ می شود.

به رغم همه تلاش هایی که از سوی پژوهش گران حوزه جرم شناسی در باره پیشگیری از جرم به عمل آمده است، اما به نظر می رسد که جای پژوهشی که خواسته باشد، خودکشی در حقوق



جزای ایران و راه‌های پیشگیری از آن را مورد بررسی قرار داده‌اند، به جد خالی است. لذا پژوهش حاضر تلاش دارد که ضمن عناصر ارتکاب جرم، مفهوم شناسی پیشگیری در جرم، مفهوم شناسی خودکشی و اسباب و علل و انواع خودکشی، خودکشی در حقوق جزا و راه‌های پیشگیری از آن را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به موضوع و اهداف، پژوهش حاضر عهده دار پاسخ به این پرسش است که: خودکشی چه حکمی در حقوق جزا دارد و راه پیشگیری از آن چیست؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش‌ها مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرد آن است که: خودکشی طبق حقوق جزا جرم نیست و راه پیشگیری از آن اقدامات تامینی است. از آنجائیکه محور اصلی پژوهش حاضر، خودکشی است، چارچوب نظری مقاله حاضر را می‌توان بر اساس الگوی نظری برساخت‌گرایی تبیین نمود. چنین الگوها و رهیافت‌هایی توسط نظریه پردازانی چون: داگلاس، بیچلر و جاکوبز ارائه شده است. هر یک از این نظریه پردازانی بخشی از الگوی نظری برساخت‌گرایی را تبیین نموده‌اند. بنابراین در این مقاله تلاش بر آن است که تا از قالب‌های تحلیلی و ادراکی این نظریه پردازان برای پشتوانه تئوریک در تبیین و تشریح داده‌ها و تبیین محتوا تحقیق استفاده شود.

۱) برساخت‌گرایی: چارچوبی تئوریک برای فهم الگوی نظری پژوهش

طبق الگوی نظری برساخت‌گرایی، هر پدیده و واقعیت اجتماعی دارای ویژگی‌های مشروط و البته رابطه‌ای بودن در جریان تعاملات است، زیرا وقایع زائیده زمینه‌های تاریخی هستند که عوامل اجتماعی و فرهنگی در آن ایفای نقش می‌کنند، عواملی که در برساخت واقعیت و فرآیندهای اجتماعی در تعامل و تبادل هستند. (برگر، ۱۳۷۵: ۱۰۳)

به این ترتیب، مطابق با رویکرد تفسیری، تلاش می‌شود با تمرکز بر معنایی که خودکشی برای افراد دارد و توصیف و کند و کاو در تجربه درونی آنها، فرد و وضعیت اجتماعی او مد نظر قرار گیرد و از منابعی استفاده شود که محقق را هرچه بیشتر به دنیای درونی افرادی که اقدام به



خودکشی کرده اند، نزدیک کند. از جامعه شناسانی که در این دیدگاه به بررسی و مطالعه خودکشی پرداخته اند، می توان به داگلاس، بیچلر و جاکوبز اشاره کرد. (قادر زاده، ۱۳۹۳: ۹)

داگلاس، در بسط مفهوم برساخت اجتماعی، استدلال می کند یادداشت های مربوط به خودکشی، ها گزارش مربوط به زندگی شخصی افرادی که خود را می کشند، یادداشت های روزانه و شرح حال و مصاحبه های موردی با افرادی که اقدام به خودکشی کرده اما زنده مانده اند از جمله منابع اطلاعاتی هستند که می تواند جامعه شناسان به را دنیای درونی شخصی که را خود کشته است، نزدیک کند. هدف جمع آوری گونه هایی از اسرار درونی و تجربیات دنیای واقعی فردی است که را خود کشته است. به نظر داگلاس، این امر تنها زمانی میسر است که ما در موقعیتی باشیم تا رفتارهای منجر به خودکشی را طبقه بندی کرده و با محیط های خاص اجتماعی یا گروه های اجتماعی مرتبط سازیم. وظیفه بعدی جامعه شناس تفسیری، جستجوی ابعاد الگوهای رایج معنا است. داگلاس این ها را مفاهیم بنیادی خودکشی می داند. (Douglas, ۱۹۶۷: ۸۹)

بیچلر، ضمن تأکید بر رویکرد داگلاس، مدعی است که اقدام به خودکشی وسیله ای یا شیوه ای است که افراد از طریق آن، درصدد دستیابی به اهداف خاصی هستند. بنابر این، سؤال مهم این است که افراد به میانجی خودکشی درصدد حل چه مسائلی هستند؟ بیچلر، با توجه به تحلیلش از دامنه وسیع اسناد موردی، معتقد است که چهار نوع مفهوم کلی در مورد کنش خودکشی وجود دارد:

الف) گریزنده: هنگامی که خودکشی فرار از وضعیتی تحمل ناشدنی تلقی می شود،

ب) پرخاشجو: هنگامی که اقدام کننده به خودکشی، قصد آزار یا جلب توجه دیگران را دارد،

ج) ایثارگرانه: خودکشی معطوف به برخی عقاید سیاسی یا اخلاقی است،



(د) خنده آور: هنگامی که اقدام کننده به خود کشی، با زندگی و مرگ به قمار می پردازد. (Baechler, ۱۹۷۹: ۲۳۰-۲۴۶)

از نظر جاکوبز، درک خودکشی می تواند صرفا بر اساس ملاحظه دقیق چگونگی تعریف فرد از یک وضعیت صورت گیرد. نتایج حاصل از مطالعه وی بر روی ۱۱۶ یادداشت خود کشی نشان داد اقدام کنندگان به خود کشی، اولاً فکر می کردند با مشکلی حل ناشدنی و غیر قابل تحمل روبه رو هستند. (Varink, ۲۰۱۲: ۷۶۰-۷۷۱) ثانیاً مرگ را تنها چاره ممکن تلقی کرده و ثالثاً وضعیت را غیر قابل کنترل دانسته اند. محقق به هنگام مطالعه پدیده خود کشی، جهت درک معانی الصاق شده به پدیده خود کشی به نوعی تفسیر تفسیرها (آنتونی گیدنز) با درک ادراک (گیرتز) یا همان باز سازی مجدد معانی مورد نظر کنشگران دست می زند و با ارائه توصیفی ضخیم نه توصیف خجیم و پرنگاری از شرایط اجتماعی به شناخت تقریباً درست تر و توصیف های ریز و میکروسکوپی که هر کدام به معنایی خاص صورت گرفته اند، اقدام می کند. (قادر زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۵)

۲) عناصر و ارکان ارتکاب جرم

به لحاظ حقوقی برای آنکه فعل انسانی جرم به شمار آید باید، نخست قانون گذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی) دوم، عمل یا ترک عمل مشخص به منصف ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی) سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی یا معنوی). این عناصر که در تمامی جرایم مشترکند عناصر عمومی نام دارند.



۲-۱) عنصر قانونی جرم

ریشه این عنصر را باید در اصل قانونی بودن جرایم جست و جو کرد. یکی از اصول مسلم حقوق کیفری این است که تا زمانی که قوانین حاکم بر یک جامعه عملی را جرم تشخیص نداده و آن را قابل مجازات نداند، اشخاص در انجام آن عمل آزاد می‌باشند. منظور از این اصل به طور خلاصه آن است که اولاً هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن به این صفت شناخته شده باشد، ثانیاً هیچ مجازاتی ممکن نیست مورد حکم قرار بگیرد، مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن برای همان جرم وضع شده باشد، ثالثاً هیچ محکمه‌ای صالح به رسیدگی به جرمی نیست مگر آنکه قانون آن محکمه را برای رسیدگی به آن جرم صالح شناخته باشد. رابعاً هیچ حکمی از محکمه صالح علیه متهمی صادر نخواهد شد مگر پس از رسیدگی و محاکمه و آن هم طبق شرایط پیش‌بینی شده در قانون. به عبارت دیگر تعیین جرم، تعیین مجازات، تعقیب متهم، صدور حکم کیفری و اجرای آن باید طبق اصول و مقررات پیش‌بینی شده در قانون باشد. هرگاه حکمی برخلاف قانون و یا بدون رعایت یکی از شرایط یاد شده صادر گردد، آن حکم جنبه قانونی نداشته و در مرحله بالاتر مثل تجدیدنظر و فرجام نقض خواهد شد. در منابع اسلامی به این قاعده توجه ویژه‌ای شده است. آیه ۸ سوره طلاق در این باره می‌فرماید: «لا یكلف الله نفساً الا ما آتیها» یعنی: خداوند هیچ کسی را جز به آنچه توانایی داده تکلیف نمی‌کند. همچنین در سوره اسرا آیه ۱۵ خداوند فرموده است: «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» یعنی ما هیچ کس را کیفر نمی‌کنیم تا اینکه پیامبری بفرستیم. حدیث رفع، قاعده قبح عقاب بلا بیان و اصل اباحه نیز به این اصل اشاره می‌کنند. به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. همچنین اصل ۳۷ همان قانون بیان می‌کند: اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه ثابت گردد. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی نیز با توجه به همین قاعده بیان می‌کند: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون بر آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود. عطف به ماسبق



نشدن قوانین جزایی و تفسیر مضیق قوانین کیفری از نتایج وجود عنصر قانونی جرم هستند. اضطراب، رضایت مجنون علیه و دفاع مشروع از شرایط زوال قانونی جرم می باشند. (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۷۳)

۲-۲) عنصر مادی جرم

تحقق جرم موکول به بروز عوارض بیرونی اراده ارتکاب جرم است. تا وقتی مظهر خارجی اراده به صورت‌هایی مانند فعل یا ترک فعل تحقق نیافته، جرم واقع نمی‌شود. بنابراین صرف داشتن عقیده، اندیشه و قصد ارتکاب جرم بدون انجام هیچ‌گونه عمل مادی قابل تعقیب نمی‌باشد زیرا اصولاً موارد مزبور به تنهایی قابل کشف نیستند. البته در مواردی قانون‌گذار به طور استثنایی، مبادرت به جرم‌انگاری برخی اعمال کرده که در مراحل قبلی انجام کامل جرم می‌باشند. برای ارتکاب جرم، بزه‌کار مراحل زیر را طی می‌کند: ابتدا مجرم قصد ارتکاب جرم می‌کند، سپس به تهیه مقدمات مبادرت می‌ورزد، بعد شروع به اجرای جرم می‌نماید و نهایتاً جرم را به اجرا می‌گذارد. عنصر مادی و ضروری جرم گاه رفتاری است که در وضعی خاص از انسان بروز می‌کند و گاه به ندرت حالتی است که بر او مستولی می‌گردد. رفتار انسان، ظهور خارجی اراده اوست، یعنی نیرویی که درصدد تأثیر بخشیدن بر محیط و تغییر دادن آن است؛ ولی حالت، تجسم اندیشه و وضعی مداوم است که انسان در آن به سر می‌برد. حالت مجرمانه نمودی از گرایش منفی انسان در برابر خواسته قانون‌گذار است که باید آن را از رفتار از این حیث متمایز دانست که کنشی در اوضاع و احوال خاص نیست. رفتار در سه حالت قابل تصور است: اول فعل که جنبش و حرکتی از طرف فاعل، دوم ترک فعل که امتناع از ایفای تکالیفی که موضوع حکم قانون‌گذار بوده است و سوم فعل ناشی از ترک فعل که مواردی که جرم انجام شده یا اقدام به ارتکاب فعل غیرقانونی در شرایطی است که مرتکب خود قانوناً مکلف به حفظ ارزش‌هایی چون جان و مال و آزادی دیگران باشد. (محسنی، ۱۳۷۵: ۲۹۷)



۲-۳) عنصر روانی یا معنوی جرم

وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم دانسته برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد (جرایم عمدی مثل قتل عمد) یا در اجرای عمل به نحوی از انحا و بی آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی (در صورت وجود این مسئولیت) شناخت. (نوربها، ۱۳۸۳: ۱۵۶)

۳) خودکشی، عوامل و انواع آن

خودکشی از اصطلاحات حقوق جزا بوده و عبارت است از اقدام به امری که موجب مرگ خود انسان باشد. خودکشی در لغت عبارت است از این که کسی خود را به وسیله‌ای بکشد و در اصطلاح نیز عبارت است از اقدام به امری که موجب مرگ خود انسان باشد. افزون بر این باید این گونه گفت که، خودکشی نوعی قتل نفس همراه با وحدت قاتل و مقتول است. انتحار از دیدگاه اسلام حرام بوده و ادله آن شامل کتاب، سنت و اجماع است و برای مرتکب، کیفر اخروی وعده داده شده است. (زراعت، ۱۳۷۹: ۵۰)

از نظر حقوق کیفری، خودکشی در زمره قتل‌ها قرار می‌گیرد. این نوع قتل که انتحار هم نامگذاری می‌شود، زمانی به وقوع می‌پیوندد که مرتکب جرم یا قاتل، مفعول جرم یا مقتول باشد. به عبارت فقهی هر گاه منجی علیه یا بزه دیده قتل، خود قاتل باشد، خودکشی حادث شده است. سه منبع اصلی حقوقی قابل استناد در قوانین بابت خودکشی کتاب، سنت و اجماع می باشد. (بوشهری، ۱۳۷۹: ۹۲)

امروزه تراکم جمعیت، رشد صنعتی، شیوع اضطراب تأثیر فراوانی در خودکشی و ازدیاد آن دارند. افزون بر این، عواملی چون: ناامیدی، اختلالات روانی نظیر: افسردگی، اختلال



دوقطبی، اسکیزوفرنی، اختلال طیف اوتیسم، اختلالات فیزیکی مانند سندرم خستگی مزمن، شکست عشقی، اعتیاد به الکل، سوء مصرف مواد یا دارو، می‌توانند به خودکشی ربط داشته باشد و ثابت شده که این عوامل فرد را بیشتر در معرض خودکشی قرار می‌دهد. اغلب، عوامل استرس‌زا مانند مشکلات مالی، مشکلات شغلی، مشکلات تحصیلی یا مشکلات ارتباط بین فردی مانند: طلاق یا قطع رابطه، آزار دیگران یا قلدری نیز ممکن است در این میان نقش داشته باشند. (باختر، ۱۳۹۵: ۴۵)

خودکشی‌ها را بر اساس علل و عوامل آنها می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد که عبارتند از:

الف) خودکشی بر اثر گرایش

این امر مبین یک گرایش یا تفکر طولانی است و برای این منظور می‌توان به عناصر، علائم و آثار مهمی دست یافت که این وضع روانی را ثابت می‌کند. برخی اشخاص بر اثر قدرت ارث یا بر اثر غریزه کوری که بر غریزه صیانت فائق می‌آید، جبراً به خودکشی سوق داده می‌شوند. برای این گروه، مرگ نتیجه منطقی هر ناراحتی ناچیز بوده و وسیله‌ای طبیعی برای رهایی از هر بدبختی است. برای این افراد، حوادث غیر قابل احتراز سرنوشتشان (یعنی مرگ)، به قدری آمرانه و غیر قابل مقاومت است که گاهی برای قطع آخرین رابطه‌ای که آنها را به حیات پیوند می‌دهد و برای خاموش کردن آخرین بارقه‌ای که در شب تاریک آنان می‌درخشد، دست به خودکشی می‌زنند.

ب) خودکشی بر اثر ضعف غریزه صیانت

در این مورد افراد، دیگر تاب و تحمل درد را نداشته و در برابر آن حساسیت عجیبی پیدا می‌کنند و بر اثر آن اندوهگین بوده و خفیف‌ترین محرک، سبب رنج آنها می‌شود. در واقع، حالت تحریک حساسیت در برابر درد، زندگی را محال کرده و مرگ را یک وسیله رهایی‌بخش جلوه‌گر می‌سازد.



ج) خودکشی بر اثر جنون

برخی از افرادی که به (روان پریشی یا پسیکوز) دچار هستند، گاهی مرتکب خودکشی می‌شوند که از جمله می‌توان به مبتلایان به (اسکیزوفرنی) و (مانیا - دپرسیو) و (صرع) و (افسردگی شدید) اشاره کرد.

د) خودکشی بر اثر عشق و شهوت

عشق و شهوت همواره می‌توانند افرادی را وادار به خودکشی کنند. طلاق و متارکه، خیانت جنسی، ترک کردن کانون خانواده بر اثر حسادت‌های جنسی و مازوشیسم (مازوخیسم) از این موارد هستند.

ه) خودکشی اتفاقی

گاهی فکر خودکشی به شکلی ناگهانی به ذهن خطور می‌کند. در این حال، دلیلی فاقد معنی بر اثر ضعف غریزه صیانت بر فرد غلبه می‌کند. همچنین به علت رنج‌هایی که فرد را از پا درآورده‌اند، یک ناخشنودی کوچک می‌تواند برای خودکشی کافی باشد. (انریکو، ۱۳۸۴: ۵۵-۵۲)

۴) جرم انگاری خودکشی در حقوق جزای ایران

خودکشی در قریب به اتفاق سیستم‌های حقوق جرم نیست و در قانون مجازات اسلامی هم برای آن جرم‌انگاری نشده است، ولی این به معنای جایز بودن آن هم نمی‌باشد. عدم مجازات کسی که مرتکب خودکشی شده است از نظر عقلی و منطقی قابل دفاع است زیرا شخص مرده قابل مجازات نیست و با قتل رابطه مالکیت او با اموالش قطع می‌شود. اما بحث در جایی است که شخص اقدام به خودکشی کرده ولی زنده مانده است آیا در این فرض می‌توان شروع به جرم را تصور کرد؟ برخی از حقوق‌دانان می‌گویند: اگر خودکشی منجر به قتل نشود براساس قوانین کیفری ایران مجازاتی بر آن مترتب نیست. شروع به خودکشی هم جرم نیست. معاونت در



خودکشی هم جرم نیست؛ چون مجرمیت معاون یک مجرمیت استعاری است و هرگاه عمل ارتكابی جرم نباشد، وصف مجرمانه به معاون نیز تعلق نمی‌گیرد. معاونت در خودکشی در صورتی که به حد تسبیب برسد جرم است. تهدید به انجام خودکشی در قوانین جزائی جرم نیست مگر آنکه توسط زندانی و در محل زندان صورت گیرد که در این مورد تخلف انضباطی از آئین‌نامه زندانی تلقی شده و متخلف حسب مورد طبق نظر شورای انضباطی زندان تنبیه یا در مراجع قضائی محاکمه خواهد شد. به این نکته توجه داشت که هر چند خودکشی جرم قضائی نیست، لکن هیچ کس نمی‌تواند از دیگری تقاضای قتل خود را بکند. (رحیمی نژاد، ۱۳۷۸: ۸۵)

۵) پیشگیری از جرم

طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه (اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم) است. (معظمی، ۱۳۸۶: ۹۳) پیشگیری مجموعه اقدامها و تدابیر غیر قهرآمیز است که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال و وخامت جرم، پیرامون علل جرایم اتخاذ می‌شود. (پناهی، ۱۳۹۷: ۲)

پیشگیری از جرم از اصطلاحات حقوق جزا بوده و در معنای وسیع خود شامل اقدامات کیفری و غیر کیفری مانند: پیشگیری وضعی و اجتماعی که برای خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری می‌شود ولی در مفهوم مضیق پیشگیری فقط تدابیر غیر کیفری را شامل می‌شود. پیشگیری کیفری با تهدید کیفری تابعان حقوق کیفری از یک سو، و به اجرا گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت‌های کیفری را نقض کرده‌اند از سوی دیگر، در مقام پیشگیری عام و پیشگیری خاص از جرم است. منظور از پیشگیری عام، استفاده از جنبه‌های ارباب‌آمیز حقوق کیفری و مخصوصاً مجازات است با این استدلال که ترس از دستگیری و مجازات، افراد را از ارتکاب جرم منصرف می‌نماید لذا قانونگذار با جرم انگاری برخی رفتارها



همچون سرقت و قاچاق و تعیین مجازات برای مرتکبین اینگونه اعمال و ترساندن افرادی که در صورت نبودن مجازات ممکن است برای ارتکاب جرم وسوسه شوند از وقوع جرم پیشگیری می‌کند. و منظور از پیشگیری کیفری خاص از جرم، پیشگیری از تکرار بزه توسط بزهکار است، که با اصلاح مجرمین که طبق قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از وظائف قوه قضائیه است محقق می‌شود همچنانکه ماده ۳ آئین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۸۴/۹/۲۰ از نگهداری محکومان در زندان، حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازگاری آنهاست. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۸۵)

۶) پیشگیری از خودکشی طبق حقوق جزای ایران

مجازات‌ها با ایجاد ترس در توده مردم مانع می‌شوند تا دیگران همان جرم را در آینده مرتکب شوند. البته تاثیر مجازات‌ها از نظر جلوگیری جرم بیش از آنکه مربوط به ترس از صدمه احتمالی ناشی از مجازات (مثل چند سال زندان) باشد، به واکنش اعضای جامعه نسبت به مشروعیت مجازات و وضع اجتماعی مجرم بستگی دارد، اگر جامعه جرمی را بد بداند و نسبت به آن واکنش نشان دهد، جنبه بازدارندگی جرم خیلی بیشتر از وقتی است که قانون، فعلی را جرم بداند ولی جامعه آن را ناپسند نداند؛ مثلاً در مورد فرار از مالیات اگرچه قانون آن را جرم شناخته، این فعل قبح زیادی در جامعه ندارد. به‌طور کلی میزان نفوذ و موفقیت نظام جزائی از نظر جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده بستگی کامل و قطعی با میزان هماهنگی هنجارها و مجازات‌های جزایی با ارزش‌های فرهنگی جامعه دارد. مجازات‌ها باعث می‌شوند مرتکب جرم به علت تحمل سختی و مشقت مجازات در آینده از ارتکاب جرم خودداری کند. البته در برخی موارد مجازات به جای آنکه تاثیر بازدارنده داشته باشد، خود عامل بزهکاری می‌شود؛ مثل سارق ناشی که با افتادن به زندان به سارق حرفه‌ای تبدیل می‌شود. (شامبیانی، ۱۳۸۹: ۱۴۹)



با این همه در باره پیشگیری از خودکشی، نقش اقدامات تامینی موثر از شیوه های ارعاب است. تنها هدف اقدامات تامینی پیشگیری از وقوع جرم است. دلیل توسل به اقدامات تامینی این است که گاهی واکنش عادی در مقابل جرم (مجازات‌ها) قادر به تامین هدف پیشگیری از جرم مخصوصاً در مورد افراد غیرمسئول و نیمه‌مسئول نیست. اقدام تامینی، بر مبنای حالت خطرناکی که فرد نشان می‌دهد استوار است؛ یعنی احتمال فراوانی وجود دارد که فرد مرتکب جرم شود، پس باید طوری عمل کرد که جرایم احتمالی واقع نشوند. البته به نظر می‌رسد همانطور که عده‌ای از حقوقدانان اشاره کرده‌اند اقدامات تامینی بر خلاف مجازات‌ها جنبه ارعابی نداشته باشد و هدف جلوگیری از طریق تربیت و... تحقق پیدا کند نه از راه ارعاب. اقدامات تامینی به دو طریق از تکرار جرم جلوگیری می‌کنند:

اول، پیشگیری به وسیله درمان بزهکار که در این روش، بازسازی جزء اهداف مجازات‌ها نیز به شمار می‌رود و تفاوت آن دو فقط در نحوه به‌کارگیری آنهاست، در مجازات علاوه بر بازسازی بزهکاران از هدف‌های دیگر یعنی تاوان‌خواهی و ارعاب آنان غفلت نمی‌شود؛ حال آنکه در اجرای اقدامات تامینی به شرط کفایت پیشگیری، فقط بازسازی مد نظر است، برای نمونه تدابیر تربیتی درباره اطفال بزهکار، ترک اعتیاد معتادان به مواد مخدر و الکحل، اقدامات تامینی بازسازگارکننده محسوب می‌شود و دوم بی‌اثر ساختن و مراقبت از فرد که این روش مورد توجه اثبات‌گرایان است. اثبات‌گرایان و نخستین طرفداران اقدامات تامینی تدابیر خنثی‌کننده و مراقبتی را اقدامات تامینی فرض می‌کردند، به عقیده ایشان برای حمایت جامعه از بزهکاران خطرناک کافی است آنها را در وضعی قرار داد که نتوانند به جامعه آسیب برسانند مثل نگهداری دائمی از بزهکاران به‌عادت، اخته کردن بزهکاران جنسی (Castration) به کار واداشتن ولگردها. ایشان تمایلات مجرمان را فطری و جزء ذات آن‌ها تلقی کرده، بهبود این افراد را در یک امر تبعی محسوب می‌کردند، به همین جهت، مختل‌الحواس‌ها بیشتر به‌خاطر جلوگیری از ایراد آسیب به جامعه محبوس می‌شدند تا معالجه. در قوانین قبلی فرانسه نیز این گونه تدابیر بسیار به چشم می‌خورد؛ مثلاً ماده ۴۴ ق. مجازات سابق فرانسه اجازه می‌داد محکومان جنایی و محکومان ایراد لطمه به



امنیت کشور، بعد از اتمام محکومیت «تحت نظر پلیس» قرار بگیرند. در کشور ما تبعید بزهکاران به عادت و اقامت اجباری در مکان‌های خاص و یا منع از اقامت در برخی مکان‌ها به همین منظور وضع شده‌اند. باید توجه داشت، در اکثر موارد یک اقدام تامینی هر دو هدف را دنبال می‌کند، طبق نظریه پیشگیری عام و خاص هرگونه اقدامی ناظر به پیشگیری از جرم در جامعه است و در عین حال مجرم را از ارتکاب بزه جدید باز می‌دارد؛ مثلاً معتادی که با توسل به اقدامات تامینی تحت درمان قرار می‌گیرد هم خطر اجتماعی اعتیاد را محدود می‌کند و هم خود با درمان شدن پس از ورود به جامعه با نگاه‌های خصمانه مردم مواجه نمی‌شود. همچنین تدابیر درمانی نسبت به بزهکاران مبتلا به بیماری‌های روحی اثر پیشگیرانه دارد، ولی در عین حال با نگرداشتن بیماران مذکور پیشگیری با خنثی کردن حالت خطرناک آن‌ها نیز حاصل می‌شود. نکته قابل توجه اینکه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها مانع شده که اقدامات تامینی در مورد افرادی که دارای حالت خطرناک هستند ولی در گذشته مرتکب جرم نشده‌اند مورد استفاده قرار گیرد چون تشخیص حالت خطرناک یک مفهوم ذهنی و نسبی است و به طریق علمی امکان تشخیص آن وجود ندارد. ماده ۱ لایحه قانونی اقدامات تامین مصوب ۱۳۳۹ در همین رابطه بیان می‌کند: صدور حکم اقدام تامینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد. (صانعی، ۱۳۷۶: ۱۸۷)

به هر حال انتظار دست کشیدن از اعمال همیشه مطابق با واقع نیست، زیرا تاثیر بازدارنده مجازات‌ها بر حسب وضع روانی و اجتماعی شدت و ضعف دارد، اولاً همه بزهکاران از شخصیت واحد و ساختار روانی یکسان برخوردار نیستند؛ ثانیاً بر حسب ماهیت جرم و میزان قبح اجتماعی یک عمل، میل و کشش به ارتکاب مجدد جرم نیز در افراد متفاوت است، به همین دلیل علمای حقوق برای اخذ بهترین نتیجه سیاست فردی کردن مجازات‌ها را پیشنهاد کرده‌اند. (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۱۳۵)



نتیجه گیری و ارائه راهکار ها و پیشنهادات

در پژوهش حاضر ضمن بررسی عناصر ارتکاب جرم، مفهوم شناسی پیشگیری در جرم، مفهوم شناسی خودکشی و اسباب و علل و انواع خودکشی، خودکشی در حقوق جزای ایران و راه های پیشگیری از آن با بهره گیری از نظریه (بر ساخت گرایی) و به روش توصیفی- تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. نکته محوری پژوهش حاضر مفهوم خود کشی بود که متغیر متغیر پژوهش بوده که در اغلب نظام های حقوقی چه به واسطه بر اثر گرایش و چه به واسطه ضعف غریزه صیانت و جنون و یا عشق و شهوت و اتّفاقی جرم نیست و در قانون مجازات اسلامی هم برای آن جرم‌انگاری نشده است. به رغم عدم جرم انگاری، خودکشی نوعی قتل نفس همراه با وحدت قاتل و مقتول است. با این همه بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه را اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم دانسته و لذا خود کشی را از این امر مستثنی ندانسته است. به این ترتیب و با توجه به این که پیشگیری از خود کشی ضروری است، بهترین شیوه نه ارباب بلکه اقدامات تامینی است. در اقدامات تامینی هم بزه کار یعنی فردی که قصد خود کشی دارد درمان می شود هم آنکه اقدام فرد در خود کشی به جهت مراقبت، کنترل و نظارت بی اثر می شود.

نظر به اینکه رشد جمعیت و صنعتی شدن و همچنین اختلالات روانی منجر به خود کشی می شود، راهکارهایی در جهت کاهش این پدیده مذموم ارائه می شود و آن اینکه:

۱. راهکار های حقوقی و قانونی نظارت، کنترل و مراقبت برای افراد مستعد خودکشی تقویت گردد،

۲. مسئولان تربیتی انگاره های دینی را برای افراد مستعد خود کشی آموزش دهند،

۳. از آنجائیکه خود کشی نیازمند ابزار ها و وسایل خود کشی و خود انتحاری است، مکانیسم هایی برای کنترل این ابزار ها به منظور جلوگیری از خود کشی از سوی نظام های حقوقی و تربیتی تعریف و تمهید شود،



۴. اقدامات پیشگیرانه بیشتری برای افراد مستعد خود کشی بکار گرفته شود،

۵. به موازات صنعتی شدن جوامع، تمهیداتی نیز برای جلوگیری از فشار های زندگی در بعد روانی از سوی مسئولان اندیشیده شود.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۸) **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات میزان.
۲. انریکو، التاویلا (۱۳۸۴) **روانشناسی قضایی**، ترجمه مهدی کی نیا، تهران: انتشارات مجد.
۳. باختر، مرضیه (۱۳۹۵) **تشیوع افکار و اقدام به خودکشی و عوامل خطر مرتبط با آن**، مجله علوم پزشکی رفسنجان، دوره پانزدهم، شماره یازدهم.
۴. برگر، پیتتر (۱۳۷۵) **ساخت اجتماعی واقعیت: رساله ای در جامعه شناسی شناخت**، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. بوشهری، جعفر (۱۳۷۹) **حقوق جزا اصول و مسائل**، تهران: انتشارات انتشار.
۶. پناهی، محسن (۱۳۹۷) **مطالعه استراتژیک مدیریت دانش پیشگیری از جرم در بستر امنیت اجتماعی**، مجله روانشناسی تربیتی، سال سوم، شماره چهارم.
۷. رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷) **آشنائی با حقوق جزا و جرم‌شناسی**، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
۸. زراعت، عباس (۱۳۷۹) **شرح قانون مجازات اسلامی**، بخش قصاص، تهران: انتشارات ققنوس.
۹. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۱) **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات پاژنگ.
۱۰. صانعی، پرویز (۱۳۷۶) **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش.



۱۱. قادر زاده، امید (۱۳۹۳) **برساخت گرایی خود کشی: ارائه یک نظریه مبنایی**، پژوهشنامه مدد کاری اجتماعی، شماره دوم.

۱۲. قادر زاده، امید (۱۳۹۳) **مطالعه پدیدار شناسی اقدام به خود کشی**، مجله جامعه شناسی ایران، دروه چهاردهم، شماره اول.

۱۳. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴) **بایسته های حقوق جزای عمومی**، تهران: نشر میزان.

۱۴. محسنی، محسن (۱۳۷۵) **دوره حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش.

۱۵. معظمی، شهلا (۱۳۸۶) **پیشگیری جرم شناختی**، فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجد (حقوقی)، سال اول، شماره اول.

۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳) **پیشگیری عادلانه از جرم، مندرج در علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آثوری**، تهران: انتشارات سمت.

۱۷. نوربها، رضا (۱۳۸۳) **زمینه حقوق جزای عمومی**، تهران: کتابخانه گنج دانش.

(ب) منابع انگلیسی

۱. Baechler, Jean. (۱۹۷۹) *Suicides*, Oxford: Basil Blackwell. *Suicide Ideation among College Students: A Multivariate Analysis*, *Archives of Suicide Research Journal*, ۱۳ (۲): ۲۳۰-۲۴۶.

۲. Douglas, Jack D. (۱۹۶۷) *The Social Meaning of Suicide*, Princeton: Princeton University.

۳. Värnik, Peeter (۲۰۱۲) *Suicide in the World*, *International Journal of Environmental Research and Public Health*, ۹: ۷۶۰-۷۷۱.



جهت همکاری با بنیاد علمی قانون بار در راستای برگزاری سمینار، کارگاه های آموزشی، کنگره و نشست های علمی باموسسه تماس بگیرید ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ مدیر پژوهش ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵



مشاوره ۲۴ ساعته به پژوهشگران
در خصوص نگارش و ارسال مقالات
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

ششمین همایش ملی جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان در جامعه

مخبر های پذیرش مقالات پژوهشگران:

- ۱- پژوهش های مربوطه در حوزه پیشگیری از ارتکاب جرم و خودکشی
- ۲- شناخت علل و عوامل انحرافات جوانان در جامعه و ارائه راهکار عملی
- ۳- بررسی لزوم رعایت حجاب و آثار و پیامدهای آن در جامعه
- ۴- راهکارهای مبارزه با فقر، بی حجابی و فساد، اعتیاد، طلاق و
- ۵- پژوهش های مربوطه در راستای عدالت کیفری و عدالت ترمیمی
- ۶- تأثیر کیفر و مجازات در تکرار جرم و دستیابی به جامعه ای سالم
- ۷- شناسایی مضللات و آسیب های اجتماعی و ارائه راهکار حل مشکل

ایمیل همایش برای ارسال مقالات
OLOMENSANI@YAHOO.COM

مدیر هیات سیاستگذاری همایش
دکتر سیدمصطفی حسینی

شماره تماس های دبیرخانه همایش
۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

ارسال مقاله از طریق پیام رسان
۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

مکان و زمان برگزاری همایش
۲۹ آذرستان همایش سازمان ارشاد پروجرده

